



سید آریا قریبشی: بعد از



نمایش فیلم تحسین شده «تومان» (مرتضی فرشباف)، خیلی از منتقدان میر سعید مولویان را یکی از ستارگان آینده سینما و تلویزیون دانستند. حالا و بعد از موفقیت چشم گیر «خاتون» می توان واژه «آینده» را از جمله قبل حذف کرد. حالا مولویان ستاره ای است که می توان مشتاقانه منتظر فعالیت های آینده اش ماند.

شاید کسانی که مولویان را بعد از تماشای مجموعه «خاتون» (یا قبل از آن، با «تومان») شناخته اند به این فکر کنند که او ده صد ساله را یک شبه طی کرده است. اما درخششی که در «تومان» و «خاتون» از مولویان می بینیم، ثمره چیزی نزدیک به دو دهه تلاش و تجربه اندوزی روی صحنه تئاتر است. خودش اعتقاد دارد بازیگران بسیاری در تئاتر شهرستان ها مشغول به کار هستند که تنها به یک فرصت احتیاج دارند تا پرده های سینما را هم تسخیر کنند. شناخته شدن غافلگیرکننده بازیگری مثل مولویان، شاید تلنگری (به خصوص به تهیه کنندگان و کارگردان های سینما و تلویزیون ایران) باشد. مدت ها است که خیلی ها از کمبود بازیگر می نالند. نتیجه این شرایط، تولید فیلم ها و مجموعه هایی است که ضربه سنگینی از انتخاب بازیگران خورده اند. برخی از بازیگران عملاً در حال بازی در نقش هایی هستند که هیچ ربطی به ظاهر این بازیگران ندارد. حضور بازیگران پیشتری مثل مولویان، می تواند این مشکل را به تدریج کم رنگ کند.

بهانه این گفت و گو، پایان بخش مجموعه «خاتون» و استقبال عمومی از این سریال بود. اما بحث محدود به «خاتون» نماند و نه تنها به «تومان» بلکه همچنین به مسائلی کلی تر در مورد بازیگری کشیده شد: از نسبت بین بازی تئاتری و سینمایی، اهمیت نوع لنز در جنس بازی بازیگر و مسیری که یک بازیگر باید برای آماده شدن جهت ایفای یک نقش طی کند گرفته تا پژوهش جمشیدی! مطالعه این بحث ها، به خصوص برای علاقه مندان به بازیگری و تحلیل بازیگری می تواند مفید واقع شود.



شیرزاد (که روحيات پیچیده تر و گاه متعاضی دارد) شخصیت ساده تری محسوب می شود. رضا در کل شخصیت مثبتی است: در برخورد با خاتون (با این که گاه ممکن است صدایش را بالا ببرد یا در لحظاتی رگه هایی از آن حسن مالکیت را در او ببینیم) شخصیت مثبت است؛ در برخوردش با خواهرش همین طور؛ و در تلاش برای ضربه زدن به بیگانگان اشغال گر هم همین طور است. وقتی این نقش به شما پیشنهاد شد، این نگرانی در شما به وجود آمد که، رضا به خاطر این شکل پرداخت، رضا تحت الشعاع شخصیتی مثل شیرزاد قرار بگیرد؟

فیلمنامه ای که من خواندم ۴۰ قسمت بود. یعنی ما در آن فیلمنامه تا سال ۱۳۴۰ را می دیدیم. به غیر از فصلی که فیلمبرداری و منتشر شد، یک فصل دیگر هم داشتیم که ده سال بعد از اشغال را نشان می داد. در آن نسخه از فیلمنامه که خواندم، قطعاً این اتفاق جبران می شد. در بخشی که فیلمبرداری و منتشر شده وقتی رضا را در مقابل شیرزاد قرار می دهیم، رضا فخار شخصیت یک رویه تر و یک طرفه تری است. یعنی جنبه های مختلفی ندارد. تنها جنبه متفاوتش سسر بر خوردهای فیزیکی و روانی در مقابل بیگانگان است. رابطه عاشقانه او تحت الشعاع تصمیم های سیاسی قرار نمی گیرد. در مورد این بخش از قصه، قطعاً نگرانی زیادی وجود دارد. چون در بازی ممکن است شما جای زیادی برای مانور دادن نداشته باشید. اما از طرف دیگر برای من خیلی اهمیت داشت که مختصاتی که برای کاراکتر رضا فخار تعیین کرده بودند، مختصات یک سو به ای نبود. در واقع به این شکل بود که رضا فخار یک



در بخشی که فیلمبرداری و منتشر شده وقتی رضا را در مقابل شیرزاد قرار می دهیم، رضا فخار شخصیت یک رویه تر و یک طرفه تری است. یعنی جنبه های مختلفی ندارد. تنها جنبه متفاوتش سسر بر خوردهای فیزیکی و روانی در مقابل بیگانگان است

با توجه به این که نقش رضا فخار در «خاتون» تفاوت زیادی با نقشی دارد که به واسطه آن در میان سینماگران به شهرت رسیدید (نقش داوود در فیلم «تومان») چه شد که برای بازی در نقش رضا انتخاب شدید؟ آیا در جریان هستید که انتخاب شما به واسطه حضور در «تومان» بود یا با دیده شدن فعالیت های تئاتری تان؟ به طور دقیق در جریان نیستم. اما تا جایی که می دانم، دو، سه تن از دوستانی که پروژه «تومان» را دیده بودند اعتقاد داشتند که برای نقش رضا فخار مناسبم. چون این ها دوست داشتند تا جایی از پروژه معلوم نشود که قرار است بخشی از قهرمانی قصه و اتفاقات مهم «خاتون» در دست رضا فخار باشد. آن ها دنبال چهره ای بودند که چندان شناخته شده نباشد تا بتوانند با همان محوریت پیش بروند. بنابراین فکر می کنم انتخابم بر اساس تماشای «تومان» بود.

یعنی این نکته در انتخاب شما نقش داشت که ماهیت شخصیت رضا به سرعت لو نرود؟

آن جنبه بخش عمده ای از ماجرا بود اما برای آن ها قطعیت نداشت. چون این ریسک بزرگ را داشت که آن کاراکتر به اصطلاح کار نکند، بیشترین معیار را روی این گذاشته بودند که توانایی های تئاتری و سینمایی بازیگر را سنجیده باشند. بنابراین فکر می کنم هر دو در این انتخاب نقش داشته است.

محور این مجموعه یک مثلث عاشقانه میان خاتون، شیرزاد و رضا است. بین رئوس این مثلث، رضا شخصیتی است که به طور کلی در مقایسه با